

Investigation of Informational Role of Auditor Industry Expertise on the Relationship between Earnings Quality and Information Asymmetry

- Atieh Khasheh ^۱
- Fatah Behzadian ^۲

Abstract

The high quality of profit makes investors eager to make more investments. When investors are sure that the quality of the company's profit is high, they invest more in securities. One of the potential consequences of profit quality is the effect of information asymmetry. Information asymmetry increases the risk of incorrect selection and as a result reduces liquidity in financial markets, and its relationship with the quality of profit is important for financial analysts, investors and other people. The main purpose of this research is to investigate the informational role of auditor industry expertise on the relationship between profit quality and information asymmetry. The statistical population of this research is the companies accepted in the Tehran Stock Exchange and its statistical sample includes the data of ۱۰۵ companies for the ۵-year period of ۲۰۱۶-۲۰۱۹. The sampling method was systematic elimination method. The method used to estimate the model is the multivariate regression method using the combined data method. The research results showed that profit quality has a negative and significant effect on information asymmetry. Also, the results showed that the audit partner's industry expertise strengthens the negative and significant effect of profit quality on information asymmetry. Other results showed that the audit firm's industry expertise strengthens the negative and significant effect of earnings quality on information asymmetry. According to the results obtained from the research, investors and financial analysts are suggested to pay attention to the professional judgment of the institutions at the macro level as well as the professional judgment of the audit partner.

Key words: Auditor Industry Expertise, Audit Partner's Industry Expertise, Earnings Quality, Information Asymmetry.

^۱ Department of Accounting, Falavarjan Branch, Islamic Azad University, Falavarjan, Iran, a.khasheh۲۲۶@gmail.com.

^۲ Department of Accounting, Najaf abad Branch, Islamic Azad University, Najaf abad, Iran (corresponding author), f.behzadian@phu.iaun.ac.ir.

بررسی نقش اطلاعاتی تخصص صنعت حسابرِس بر ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی

- عطیه خاشه^۱
- فتاح بهزادیان^{۲*}

چکیده

کیفیت بالای سود در سرمایه‌گذاران برای انجام سرمایه‌گذاری بیشتر اِستِیاق ایجاد می‌کند. زمانی که سرمایه‌گذاران مطمئن شوند که کیفیت سود شرکتها بالاست آنها در اوراق بهادار بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند. از پیامدهای بالقوه کیفیت سود اثر عدم تقارن اطلاعات است. عدم تقارن اطلاعات باعث افزایش ریسک گزینش نادرست و در نتیجه کاهش نقدینگی در بازارهای مالی می‌شود و ارتباط آن با کیفیت سود بر تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران و دیگر افراد دارای اهمیت است. هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش اطلاعاتی تخصص صنعت حسابرِس بر ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه آماری آن شامل داده های ۱۰۵ شرکت برای دوره ۵ ساله ۱۳۹۷-۱۴۰۱ است. روش نمونه گیری، روش حذفی سیستماتیک بوده است. روش مورد استفاده جهت برآورد الگو روش رگرسیون چندگانه به روش داده های ترکیبی می باشد. نتایج تحقیق نشان داد که کیفیت سود تاثیر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد. همچنین نتایج نشان داد که تخصص صنعت شریک حسابرِس اثر منفی و معنادار کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند. سایر نتایج نشان داد که تخصص صنعت موسسه حسابرِس اثر منفی و معنادار کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش به سرمایه‌گذاران و تحلیل گران مالی پیشنهاد می‌شود علاوه بر توجه به قضاوت حرفه موسسات در سطح کلان به قضاوت حرفه شریک حسابرِس نیز توجه کنند.

واژگان کلیدی: تخصص صنعت حسابرِس، تخصص صنعت شریک حسابرِس، کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی.

^۱ گروه حسابداری، واحد فلاورجان، دانشگاه آزاد اسلامی، فلاورجان، ایران

^۲ گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول) f.behzadian@phu.iaun.ac.ir

۱. مقدمه

۴۱۵

رخداد نابرابری اطلاعاتی موجب بروز معضلات انتخاب غلط سرمایه‌گذاران و ریسک اخلاقی مدیریت بنگاه می‌گردد. دسترسی نداشتن یکسان به اطلاعات بنگاه موجب فرصت طلبی مدیران در راستای منافع شخصی و ارائه گزارشات مالی بدون کیفیت شده و همین امر موجب تصمیم‌های غلط سرمایه‌گذاران در امر سرمایه‌گذاری می‌گردد. از این رو و با بالا رفتن سطح نابرابری اطلاعاتی و در پی آن بالا رفتن ریسک انتخاب غلط سرمایه‌گذاران در امر سرمایه‌گذاری، اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه کم شده و باعث خارج شدن منابع مالی از بازار سرمایه می‌گردد. از جمله مهم‌ترین اطلاعات که به وسیله سیستم حسابداری ارائه می‌گردد و مد نظر سرمایه‌گذاران می‌باشد، سود است و از آنجایی که مدیران از این قضیه آگاه هستند، بنابراین، در جهت منافع خود ممکن است اقدام به دستکاری سود از طریق به کارگیری روش‌های مختلف حسابداری و یا از طریق انجام اقدام‌های واقعی نمایند. از این رو کیفیت درآمد یکی از عواملی می‌باشد که قادر است بر سطح نابرابری اطلاعاتی اثر داشته باشد. اگر واحد تجاری اطلاعاتی با سطح کیفیت کم ارائه نماید، سرمایه‌گذاران ناآگاه و با تجربه پایین توانایی پایین‌تری جهت پیش‌بینی سودهای آینده بنگاه خواهند داشت که چنین مبحث یک امتیاز بالارزش برای سرمایه‌گذاران خبره و آگاه به حساب می‌آید (باتاچاریا و ونکترامن^۱، ۲۰۰۹). ازجمله عواملی که انتظار می‌رود بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار باشد و برای سرمایه‌گذاران و سهامداران از اهمیت بالایی برخوردار باشد، سود و کیفیت آن است. درآمد بنگاه یکی از آیتم‌ها مهم در صورت‌ها گزارش شده مالی می‌باشد که بازگو کننده عملکرد واحد تجاری است. درآمد بنگاه از عناصر بااهمیت در قرارداد نمایندگی محسوب می‌گردد. افزون بر این درآمد کسب شونده از سوی بنگاه مبنایی جهت ارائه پاداش به مدیران بوده و ارتباط تنگاتنگی با مخارج بنگاه و قراردادهای بدهی نیز دارد (اسکات^۲، ۲۰۱۲). چنانچه سطح کیفیت سود ناچیز باشد، قرارداد نمایندگی به خاطر مخارج نمایندگی زیاد، ناکارآمد و بی اثر می‌گردد (امین و همکاران^۳، ۲۰۱۸). سطح کیفیت درآمد بنگاه زیاده‌تر اطلاعات زیاده‌تری راجع به خصوصیات کارکرد مالی یک بنگاه فراهم می‌نماید. این خصوصیات رابطه تنگاتنگی با تصمیم‌های گرفته شده به وسیله تصمیم‌گیرنده ای خاص دارد. سطح کیفیت درآمد بنگاه نوع اظهار نظر حسابرس، تصمیمات فعالان بازار سرمایه، میزان پاداش اعطای به هیئت مدیره و تحلیلگران را مشخص می‌نماید (دیچاو و همکاران^۴، ۲۰۱۰). با توجه به مساله نمایندگی و احتمال دستکاری سود، همواره این احتمال وجود دارد که بین سرمایه‌گذاران و مدیر، مشکل عدم تقارن اطلاعاتی پیش آید و سرمایه‌گذاران در این زمینه ضرر کنند. به این منظور در درجه اول معرفی معیاری از سود که کم‌تر قابل دستکاری و مدیریت از جانب مدیر باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر از جمله ابزارهای مهمی که در حال حاضر جهت رویارویی با مساله نمایندگی ارائه گردیده

^۱ - Bhattacharya et al.^۲ - Scott^۳ - Amin et al^۴ - Dechow et al

است، ابزارهای راهبری شرکتی و تخصص حسابرسان مستقل است. براین اساس و با توجه به مساله عدم تقارن اطلاعاتی که از بحث‌های مطرح در بازار سرمایه ایران است و در صورت بالا بودن سطح آن در بازار سرمایه موجب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و در نتیجه خروج آنها از بازار سرمایه می‌شود، بنابراین، بررسی و معرفی معیارهای موثر جهت ارزیابی سطح عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاران از اهمیت خاصی برخوردار است. از سوی دیگر، از آنجایی که در پژوهش‌های پیشین، به نقش اطلاعاتی تخصص صنعت حسابرسان بر ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی کمتر توجه شده است، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در این زمینه، مبانی جدیدی را مطرح کند. لذا این سوال مطرح می‌شود که آیا تخصص صنعت حسابرسان نقش اطلاعاتی (تعدیل کننده) بر ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی دارد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هدف این پژوهش بررسی تأثیر تخصص صنعت حسابرسان بر نقش اطلاعاتی تخصص صنعت حسابرسان بر ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی است. انگیزه این پژوهش بررسی دو موضوع است. اول، یک جریان از تحقیقات به موضوع اطلاعاتی بودن حسابرسان می‌پردازد. کیفیت حسابرسان به عنوان دقت و صحت اطلاعاتی است که حسابرسان در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند تعریف می‌شود (تیتمن و ترومن^۱، ۱۹۸۶). بیور^۲ (۱۹۹۸) ادعا می‌کند که حسابرسان از تقاضا برای کاهش نابرابری اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران و مدیران نشأت می‌گیرد و به طور بالقوه کارایی بازار را تسهیل می‌کند. در حالی که حسابداری به عنوان بخشی از سیستم قراردادی یک شرکت در نظر گرفته می‌شود، مدیران انگیزه‌ای برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری و حسابرسان دارند (واتز و زیمرمن^۳، ۱۹۹۰)، که می‌تواند به تخصص صنعت حسابرسان تعمیم یابد (کراسول و همکاران^۴، ۱۹۹۵). با استفاده از کیفیت اطلاعات حسابداری، می‌توان به مطلوب‌ترین ویژگی سود یعنی کیفیت سود اشاره کرد (فرانسیس و همکاران^۵، ۲۰۰۴). علیرغم اهمیت این موضوعات، اثر ترکیبی تخصص صنعت حسابرسان بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات نامشخص و فاقد شواهد است. به این ترتیب، سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا تخصص حسابرسان در صنعت، تأثیرات کیفیت سود را بر عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌دهد یا خیر. انگیزه دوم به موضوع نیاز به قضاوت‌های حرفه‌ای مرتبط با تخصص صنعت شریک حسابرسان در زمینه بازار حسابرسان می‌پردازد. دو شریک حسابرسان از یک مؤسسه حسابرسان ملزم به امضای گزارش حسابرسان هستند و در

^۱ - Titman & Trueman

^۲ - Beaver

^۳ - Watts & Zimmerman

^۴ - Craswell et al

^۵ - Francis et al

صورت شکست حسابرسی مسئول هستند. علیرغم اینکه هر مؤسسه حسابرسی برنامه‌های حسابرسی خود را برای همه تیم‌های حسابرسی برای انجام وظایف حسابرسی دارد، هر کار حسابرسی زمینه‌ای است، که مستلزم قضاوت‌های حرفه‌ای اعضای تیم حسابرسی و تصمیمات شریک کار در مورد گزارش نهایی حسابرسی است (لیائو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). از این رو، سؤال دوم پژوهشی این است که آیا تخصص صنعت شریک حسابرسی تأثیر اساسی‌تری بر رابطه بین کیفیت سود بالاتر و عدم تقارن اطلاعاتی کمتر نسبت به مؤسسه حسابرسی در زمینه بازار حسابرسی دارد یا خیر. بررسی موضوع نقش اطلاعاتی تخصص در صنعت حسابرسی به دو دلیل حیاتی است. اول، ریسک اطلاعات بر قیمت‌داری‌ها تأثیر می‌گذارد (ایزلی و اوهارا^۲، ۲۰۰۲)، در حالی که شاخص کیفیت سود برای ریسک اطلاعات نشان می‌دهد که عدم دقت اطلاعات و توزیع اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعات تأثیر می‌گذارد (باتاچاریا و همکاران^۳، ۲۰۱۲). کیفیت ضعیف سود منجر به ریسک انتخاب نامطلوب بالاتر و نقدینگی کمتر در بازار مالی می‌شود و عدم تقارن اطلاعاتی را در میان سرمایه‌گذاران آگاه که در توانایی‌هایشان برای پردازش اطلاعات مرتبط با سود متفاوت است، بدتر می‌کند و منجر به قیمت‌گذاری اشتباه اقلام تعهدی می‌شود (باتاچاریا و همکاران^۴، ۲۰۱۳). حساب‌رسان با کیفیت بالاتر، منابع بیشتر و انگیزه قوی‌تری برای سرمایه‌گذاری و توسعه مهارت‌ها و دانش خاص صنعت دارند و در نتیجه سطح بالاتری از اطمینان را در صنایع تخصصی ارائه می‌کنند (لیائو و همکاران^۵، ۲۰۲۲). در نتیجه، ادبیات قبلی نشان داده است که حساب‌رسان متخصص صنعت در تشخیص خطاها و محدود کردن دستکاری سودهای فرصت‌طلبانه بهتر عمل می‌کنند و بنابراین دقت اندازه‌گیری‌ها را در صنعت بهبود می‌بخشند (کریشنان^۶، ۲۰۰۳؛ کراسول و همکاران^۷، ۱۹۹۵؛ بالسام و همکاران^۸، ۲۰۰۳؛ اووسو و همکاران^۹، ۲۰۰۲؛ رلچلت و وانگ^{۱۰}، ۲۰۱۰). از آنجایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده برای ارائه اطلاعات مناسب در جهت تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است، اگر حساب‌رسان متخصص صنعت، کیفیت سود شناسایی شده توسط سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام را افزایش دهند، میزان عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. یعنی تخصص حسابرسی در صنعت، ارتباط بین کیفیت سود بالاتر و عدم تقارن اطلاعاتی کمتر را افزایش می‌دهد (لیائو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۲). همچنین انتظار می‌رود که تخصص صنعت شریک حسابرسی در مقایسه با تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی، تأثیر اساسی‌تری بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات داشته باشد. این پیش‌بینی‌ها بر اساس ویژگی‌های نهادی، آثار قانونی و دلایل رفتاری است. ادبیات قبلی اثر مسئولیت قانونی

^۱ - Liao et al^۲ - Easley & O'Hara^۳ - Bhattacharya et al^۴ - Krishnan^۵ - Craswell et al^۶ - Balsam et al^۷ - Owosho et al^۸ - Reichelt & Wang

را بر کیفیت حسابرسی در سطح شرکت مستند کرده است (پالمروس^۱، ۱۹۸۸؛ دی^۲، ۱۹۹۳). بسیاری از تحقیقات حسابرسی رفتاری مستند کرده اند که عملکرد قضاوت حسابرسان فردی با دانش، تجربه، محیط و عدم قطعیت متفاوت است (لیبی^۳، ۱۹۹۵). علاوه بر این، این شرکای حسابرسی هستند که به دلیل انگیزه‌های اقتصادی متفاوت، ویژگی‌های ذاتی و مکانیسم‌های حاکمیت داخلی و خارجی، کیفیت متفاوت حسابرسی را ارائه می‌کنند (لینوکس و وو^۴، ۲۰۱۸). آبدیا و همکاران^۵ (۲۰۲۱) هزینه پایین تر سرمایه سهام را برای محققان در حوزه تخصص صنعت مطرح کردند و بیان کردند که تخصص صنعت حسابرس به کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام کمک می‌کند. با این حال، کانالی که حسابرسان از طریق آن مستقیماً به کاهش هزینه سرمایه کمک می‌کنند، فاقد شواهد است. در مقابل، با فرض رابطه مثبت بین کیفیت حسابرسی و قابلیت اطمینان سود حسابداری بهن و همکاران^۶ (۲۰۰۸) دقت پیش‌بینی سود تحلیلگران بالاتر و پراکندگی پیش‌بینی کمتر برای مشتریان حسابرسان بزرگ و حسابرسان متخصص صنعت را بر اثرات کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعات نشان داده است. اگر افزایش قابل توجه باشد و توسط معامله گران به رسمیت شناخته شود، تفاوت در عدم تعادل اطلاعات بین معامله گران آگاه و ناآگاه کاهش می‌یابد و در نتیجه اختلاف قیمت پیشنهادی کاهش می‌یابد (عدم تقارن اطلاعاتی کمتر). به طور مشابه، اگر کیفیت بالاتر سود ارائه شده توسط حسابرسان متخصص صنعت توسط تحلیلگران در پیش‌بینی سودهای آتی استفاده شود، پراکندگی پیش‌بینی کمتر خواهد بود. در نتیجه، انتظار می‌رود که تخصص صنعت شریک حسابرسی کیفیت سود مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر را افزایش دهد (لیائو و همکاران، ۲۰۲۲). از جمله مسائل پیش روی هر سرمایه‌گذار مساله تصمیم‌گیری است. سرمایه‌گذاران نیازمند تصمیم‌گیری در مورد خرید، نگهداری و یا فروش اوراق بهادار هستند و به این منظور به اطلاعاتی شفاف، قابل اعتماد و مربوط نیازمندند تا به آنها در تصمیم‌گیری کمک کرده و بتوانند بازده خود را حداکثر کنند. از آنجایی که رشد اقتصادی هر کشور مدیون افزایش سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و جلب اعتماد مردم است. لذا فراهم نمودن اطلاعاتی مربوط و قابل اعتماد برای سرمایه‌گذاران که بتواند به آنها در تصمیم‌گیری کمک کند امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. سیستم حسابداری و گزارشگری مالی و صورتهای مالی دارای نقش فراهم کردن اطلاعات است و هدف گزارشگری مالی از منظر هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی^۷ و استانداردهای حسابداری ایران نیز فراهم کردن اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است. هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی ایران هدف از گزارشگری مالی را ارائه اطلاعات طبقه بندی و تلخیص گردیده راجع به عملکرد مالی، وضعیت مالی و سطح انعطاف پذیری مالی بنگاه برای اکثر استفاده کنندگان از صورتهای مالی در گرفتن

^۱ - Palmrose

^۲ - Dye

^۳ - Libby

^۴ - Lennox & Wu

^۵ - Aobdia et al

^۶ - Behn et al

^۷ - Financial Accounting Standards Board (FASB).

تصمیمات اقتصادی بیان می‌نماید (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۱۳۹۲). هر چند هدف از ارائه گزارشات مالی بیان اطلاعات سودمند جهت اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌باشد اما در عمل بر اساس نظریه نمایندگی و اختلاف منافع سرمایه‌گذاران با مدیر، امکان دارد مدیران در راستای کسب منافع فرصت طلبانه در منتشر کردن اطلاعات صادقانه و شفاف نباشند. از این رو امکان دارد در چنین شرایطی مشکل نابرابری اطلاعاتی به وجود آید. نابرابری اطلاعاتی به شکاف‌های اطلاعاتی، گزارشگری، کیفیت، ادراکی، قابل فهم بودن و ارزش تقسیم می‌گردد. هر اندازه سطح نابرابری اطلاعاتی زیادتر باشد، سطح شکاف ارزش و در پی آن فاصله میان ارزش مبادلاتی اوراق بهادار واحدهای تجاری از ارزش حقیقی آن‌ها زیادتر است که این وضعیت، باعث اخذ تصمیمات نامطلوب مالی و اقتصادی به وسیله سرمایه‌گذاران می‌شود (خانی و قجاوند، ۱۳۹۱). با در نظر گرفتن مبانی بیان گردیده راجع به موضوع تحقیق، در این تحقیق به مطالعه رابطه میان کیفیت سود و نابرابری اطلاعاتی با توجه به نقش اطلاعاتی تخصص صنعت حسابرسان پرداخته می‌گردد. شین و اوه^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود به مطالعه رابطه میان افشای داوطلبانه و نابرابری اطلاعاتی یا در نظر گرفتن نقش کیفیت ارقام تعهدی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معناداری میان افشای داوطلبانه و نابرابری اطلاعاتی برقرار است. شرکت‌هایی که سطح افشای داوطلبانه بالایی دارند نوسانات بازده سهام روزانه بالاتر و حجم معاملات پایینی دارند و این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌ها تمایل دارند تا در افشای اطلاعات به سهامداران انحرافاتی داشته باشند. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که کیفیت ارقام تعهدی تأثیر منفی و معناداری بر ارتباط افشای داوطلبانه و نابرابری اطلاعاتی دارد. به عبارت دیگر زمانی که کیفیت ارقام تعهدی بالا باشد، سطح بالای افشای داوطلبانه موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. یونگ و سون^۲ (۲۰۲۰) به مطالعه نقش تعدیلی سطح کیفیت حسابرسان بر ارتباط میان ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی در کشور چین پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه منفی و معناداری میان سطح افشای اطلاعات و نابرابری اطلاعاتی برابر است؛ و همچنین رابطه منفی و معناداری میان سطح کیفیت حسابرسان بالا نابرابری اطلاعاتی برقرار است. افزون بر این سطح کیفیت حسابرسان به عنوان سازوکاری رابطه میان افشای اطلاعات و نابرابری اطلاعاتی را تعدیل می‌نماید. لیاو و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی تأثیر تخصص در صنعت حسابرسان بر ارتباط میان نابرابری اطلاعاتی و سطح کیفیت اطلاعات حسابداری پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تخصص صنعت شریک حسابرسان، رابطه مثبت بین ارقام تعهدی اختیاری و معیارهای عدم تقارن اطلاعاتی را تعدیل می‌کند. علاوه بر این، این رابطه مثبت برای شرکت‌هایی که شرکای حسابرسان آنها متخصص صنعت هستند قوی‌تر از شرکت‌هایی است که موسسات حسابرسان آنها متخصص صنعت نیستند. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که تخصص شریک حسابرسان اول در مقایسه با تخصص موسسه حسابرسان به تنهایی برای ارتباط بین کیفیت سود و

^۱ - Shin & Oh^۲ - Yong & Sun^۳ - Liao et al

عدم تقارن اطلاعاتی اهمیت بیشتری دارد. نتایج برای روش‌ها و مدل‌های برآورد جایگزین، و معیارهای جایگزین عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود، و متخصصان صنعت قوی هستند. به طور کلی، شواهد با تخصص صنعت شریک حسابرسی که عدم تقارن اطلاعاتی را از طریق تأثیر آن بر کیفیت سود بالاتر کاهش می‌دهد، سازگار است. پوترا و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهش خود در جستجوی تدوین یک چارچوب مفهومی برای بررسی و درک سیستماتیک از رابطه بین کیفیت سود، افشای داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعات به عنوان اثرات تک و تعامل و توضیح نقش اجرای حاکمیت شرکتی را در کیفیت سود و افشای داوطلبانه بوده‌اند. نتایج نشان داد افشای داوطلبانه و کیفیت به صورت تک و تعاملی بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معناداری دارند. علاوه بر این نتایج نشان داد حاکمیت شرکتی تأثیر افشای داوطلبانه و کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تعدیل می‌کند.

کیان و صادقی (۱۳۹۷) در پژوهشی به "مطالعه نقش تعدیلی نابرابری اطلاعاتی در رابطه بین کیفیت سود و عملکرد مالی واحدهای تجارپیرداخته‌اند نتایج حاکی از آن است که ارتباط معناداری میان سطح کیفیت سود و عملکرد مالی بنگاه برقرار است. افزون بر این یافته‌های نشان می‌دهد نابرابری اطلاعاتی بر ارتباط میان کیفیت سود و عملکرد مالی بنگاه تأثیر معناداری دارد. حمیدیان و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش تخصص حسابرِس در صنعت در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقالم صورت سود و زیان در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از وجود مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی بود. همچنین شواهد تحقیق نشان می‌دهد که حسابرِس متخصص صنعت و اثر تعاملی آن با دوره تصدی بلند مدت حسابرِس (بیش از چهار سال) قادر به کشف مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد ولی اظهار نظر حسابرِس تأثیری بر کشف و کنترل این ابزار ندارد. کردستانی و دیگران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین کیفیت افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعات رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و همچنین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، رابطه منفی کیفیت افشا و عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می‌کند. پژوهش ملکی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی اثر کیفیت سود بر نابرابری اطلاعاتی اطلاعاتی و بازده مد نظر سهامداران (سرمایه- هزینه) پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که کیفیت سود اثر منفی و معناداری بر بازده مورد انتظار سهام داران و نابرابری اطلاعاتی دارد. ذوالفقاری و دیگران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی و عدم نقدشوندگی سهام بر دقت پیش‌بینی سود و همچنین اثر غیرمستقیم ساختار مالکیت (تمرکز) بر دقت پیش‌بینی سود می‌پردازد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعاتی دارای اثر مثبت بر دقت پیش‌بینی سود است. این بدین معنی است که شرکت‌هایی که شاخص عدم تقارن اطلاعاتی در آنها پایین تر است دقت پیش‌بینی

^۱ - Putra et al

سودشان از انحراف کمتری برخوردار است؛ اما در خصوص اثر عدم نقدشوندگی سهام بر دقت پیش بینی سود و همچنین اثر غیرمستقیم ساختار مالکیت (تمرکز) شواهدی یافت نشد.

جودی و منصورفر (۱۳۹۹) در پژوهشی از معیارهای نظیر اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس و تخصص حسابرس در صنعت با بهره گیری از روش تحلیل عاملی یک معیار ترکیبی برای محاسبه کیفیت حسابرس استفاده کرده است. یافته ها حاکی از آن است که نابرابری اطلاعاتی بر سطح مدیریت سود آگاهی دهنده اثر منفی و سطح مدیریت سود فریبده اثر مثبتی دارد. افزون بر این یافته ها نشان داد وجود کیفیت حسابرسی موجب کاهش شدت اثر مثبت نابرابری اطلاعاتی بر مدیریت سود فریبده و شدت اثر منفی نابرابری اطلاعاتی بر مدیریت سود آگاهی دهنده می گردد. داودی (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه رابطه میان نابرابری اطلاعاتی، کیفیت درآمد افشای داوطلبانه و هزینه سرمایه پرداخته است. نتایج نشان می دهد که الف) ارتباط منفی و معناداری میان کیفیت اقلام تعهدی سود و هزینه سرمایه برقرار است. بدین معنی که بالا رفتن کیفیت اقلام تعهدی سود هزینه سرمایه را کاهش میدهد و در نهایت برای سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران مقرون به صرفه می باشد. ب) ارتباط منفی و معناداری میان قابلیت پیش بینی سود و هزینه سرمایه برقرار است. نتیجه نشان میدهد که بالا رفتن قابلیت پیش بینی سود، هزینه سرمایه برای سرمایه گذاری کاهش میدهد. ج) ارتباط مثبت و معناداری میان پایداری سود و هزینه سرمایه برقرار است. د) ارتباط منفی و معناداری میان افشا کردن داوطلبانه سود و هزینه سرمایه برقرار است. به عبارت دیگر افزایش سطح افشا کردن داوطلبانه سود موجب کاهش هزینه سرمایه می شود. د) ارتباط معناداری میان نابرابری اطلاعاتی و هزینه سرمایه برقرار نمی باشد. هداوند میرزایی (۱۴۰۱) در پژوهش خود به مطالعه ارتباط میان خطر افشا کردن اطلاعات مالی و نابرابری اطلاعاتی با در نظر گرفتن نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی پرداخته است. نتایج موید آن است که میان خطر افشای اطلاعات و نابرابری اطلاعاتی بنگاه ارتباط مستقیم بر قرار است و همچنین کیفیت حسابرسی نقش تعدیل کننده ای بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و تقارن اطلاعاتی شرکت رابطه معناداری وجود دارد. مثنی و امان اله نژاد کلخوران (۱۴۰۲) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی، کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می دهند که بین اظهارنظر مشروط و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت ها در دوره زمانی پژوهش رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

۳. بیان فرضیه ها

فرضیه اول: کیفیت سود تاثیر منفی بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد.

فرضیه دوم: تخصص صنعت شریک حسابرسی اثر منفی کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند.

فرضیه سوم: تخصص صنعت موسسه حسابرسی اثر منفی کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند.

۴. تبیین متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی است که در ادامه به توصیف آن‌ها پرداخته می شود.

تبیین و اندازه گیری متغیر وابسته

نابرابری اطلاعاتی (Spread): به منظور اندازه گیری نابرابری اطلاعاتی بر اساس تحقیق لیائو و همکاران (۲۰۲۲) از اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به شرح رابطه (۱) استفاده می شود: رابطه (۱):

$$Spread = \frac{Ask_t - Bid_t}{\frac{Ask_t + Bid_t}{2}}$$

که در آن:

Ask: عبارت است از میانگین به دست آمده از پیشنهادی قیمت فروش سهام در پایان بازه زمانی t.
Bid: عبارت می باشد از میانگین به دست آمده از قیمت پیشنهادی خرید سهام بنگاه در انتهای بازه زمانی t.

تبیین و اندازه گیری متغیر مستقل

کیفیت سود (DA): در این پژوهش مدل اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر عملکرد کوتاری و همکاران^۱ (۲۰۰۵) به منظور اندازه گیری کیفیت سود به کار گرفته خواهد شد. در مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) کیفیت سود از قدرمطلق پسماند رابطه (۲) بدست می آید و هر اندازه میزان پسماند بزرگتر بود، سطح کیفیت سود پایین تر می باشد در نتیجه به منظور هماهنگ سازی مقادیر به دست آمده در منفی یک ضرب می شوند. رابطه (۲):

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = c_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + c_1 \left(\frac{\Delta S_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + c_2 \left(\frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right) + c_3 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

TAit: کل اقلام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان نقد عملیاتی) بنگاه i در بازه زمانی t
ΔSit: تغییرات درآمد فروش و ارائه خدمات بنگاه i در بازه زمانی t
PPEit: دارایی های ثابت مشهود بنگاه i در بازه زمانی t
ROAit: نرخ بازده دارایی ها (نسبت سود خالص به کل دارایی ها) بنگاه i در بازه زمانی t

^۱ - Kothari et al.

Ait-۱: کل دارایی های بنگاه i در بازه زمانی t-۱

تبیین و اندازه گیری متغیر تعدیل کننده

تخصص صنعت موسسه حسابداری (SP^۲): اگر موسسه حسابداری متخصص صنعت باشند، کد یک می گیرد و در غیر این صورت صفر است.

در این تحقیق از رویکرد سهم بازار برای محاسبه تخصص صنعت استفاده می شود. در تحقیق رحیمیان و حسنی القار (۱۳۹۴) این رویکرد مورد تاکید قرار گرفته است. سهم بازار حسابسان به شرح زیر محاسبه می شود:

رابطه (۳):

$$\left(\frac{1}{(IF)}\right) * \left(\frac{1}{2}\right) < \left(\frac{EA}{(EAT)}\right)$$

در این رابطه مجموعه دارایی های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابداری خاص در یک صنعت خاص (EA) بر مجموع دارایی های کل صاحبکاران در این صنعت (EAT)، تقسیم می گردد. موسساتی در پژوهش حاضر به عنوان متخصص در صنعت مد نظر قرار می گیرند که سهم بازار آنها (یعنی عبارت سمت راست معادله) بیشتر از عبارت یک بر روی تعداد واحدهای تجاری موجود در یک صنعت (IF) ضرب در یک دوم (یعنی عبارت سمت چپ معادله) باشد.

تخصص صنعت شریک حسابداری (SP^۱): اگر شریک حسابداری متخصص صنعت باشند، کد یک می گیرد و در غیر این صورت صفر است. مطابق با پژوهش لیائو و همکاران (۲۰۲۲) شریک حسابداری در صورتی متخصص صنعت است که سهم بازار او که بر اساس کل دارایی های مشتریان شریک در یک صنعت محاسبه می شود، در رتبه بالاتر قرار گیرد. سهم بازار شریک حسابداری نیز از طریق رابطه (۳) به شرح بالا محاسبه می شود، با این تفاوت که از اطلاعات مربوط به شریک حسابداری استفاده می شود.

تبیین و اندازه گیری متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش به شرح زیر ارائه شده است:

مالکیت نهادی (INST): برابر می باشد با درصد مالکیت سهامداران نهادی بنگاه.

اهرم مالی (LEV): برابر می باشد با نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها.

ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (LNMV): برابر می باشد با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

حجم معاملات سهام (LNVOL): برابر می باشد با لگاریتم طبیعی تعداد میانگین سهام معامله شده در طول یک سال.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MB): برابر می باشد با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

بازده دارایی ها (ROA): برابر می‌باشد با نسبت سود خالص به کل دارایی ها.
نوسانات بازده سهام (SDRET): برابر می‌باشد با انحراف استاندارد بازده سهام در طول سه سال گذشته.
نوسانات بازده حقوق صاحبان سهام (SDROE): برابر می‌باشد با انحراف استاندارد بازده حقوق صاحبان سهام در طول سه سال.
اندازه شرکت (SIZE): برابر می‌باشد با لگاریتم طبیعی کل دارایی ها.
تغییرات سود نسبت به قیمت سهام (SURPRISE): برابر می‌باشد با سود جاری منهای سود سال گذشته تقسیم بر قیمت سهام.

۵. مدل پژوهش

در تحقیق حاضر مطابق با تحقیق لیائو و همکاران (۲۰۲۲) از الگوی (۱) به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق استفاده می‌شود. در الگوی (۱) زمانی که ضریب β_1 معنادار و منفی بود، فرضیه نخست پذیرفته می‌گردد. مدل شماره (۱):

$$SPREAD_{it} = \beta_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_2 INST_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 LNMV_{i,t} + \beta_5 LNVOL_{i,t} + \beta_6 MB_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 SDRET_{i,t} + \beta_9 SDROE_{i,t} + \beta_{10} SIZE_{i,t} + \beta_{11} SURPRISE_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

که در آن:

- $SPREAD_{it}$: نابرابری اطلاعاتی شرکت i در بازه زمانی t
- $DA_{i,t}$: کیفیت سود شرکت i در بازه زمانی t
- $INST_{i,t}$: مالکیت نهادی شرکت i در بازه زمانی t
- $LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در بازه زمانی t
- $LNMV_{i,t}$: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در بازه زمانی t
- $LNVOL_{i,t}$: حجم معاملات سهام شرکت i در بازه زمانی t
- $MB_{i,t}$: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت i در بازه زمانی t
- $ROA_{i,t}$: بازده دارایی های شرکت i در بازه زمانی t
- $SDRET_{i,t}$: نوسانات بازده سهام شرکت i در بازه زمانی t
- $SDROE_{i,t}$: نوسانات بازده حقوق صاحبان سهام شرکت i در بازه زمانی t
- $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در بازه زمانی t
- $SURPRISE_{i,t}$: تغییرات سود نسبت به قیمت سهام شرکت i در بازه زمانی t

افزون بر این در تحقیق حاضر مطابق با تحقیق لیائو و همکاران (۲۰۲۲) از الگوی (۲) به منظور آزمون فرضیه دوم تحقیق استفاده می‌شود. در الگوی (۲) زمانی که ضریب β_3 معنادار و مثبت بود، فرضیه دوم پذیرفته می‌گردد.

مدل شماره (۲):

$$\begin{aligned} SPREAD_{it} = & \beta_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_2 SP1_{i,t} + \beta_3 DA_{i,t} * SP1_{i,t} + \beta_4 INST_{i,t} \\ & + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 LNMV_{i,t} + \beta_7 LNVOL_{i,t} + \beta_8 MB_{i,t} \\ & + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} SDRET_{i,t} + \beta_{11} SDROE_{i,t} + \beta_{12} SIZE_{i,t} \\ & + \beta_{13} SURPRISE_{i,t} + \epsilon_{i,t} \end{aligned}$$

که در آن:

$SP1_{i,t}$: تخصص صنعت شریک حسابرسی شرکت i در سال t

افزون بر این در تحقیق حاضر مطابق با تحقیق لیائو و همکاران (۲۰۲۲) از الگوی (۳) به منظور آزمون فرضیه سوم تحقیق استفاده می‌شود. در الگوی (۳) زمانی که ضریب β_3 معنادار و مثبت بود، فرضیه سوم پذیرفته می‌گردد.

مدل شماره (۳):

$$\begin{aligned} SPREAD_{it} = & \beta_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_2 SP2_{i,t} + \beta_3 DA_{i,t} * SP2_{i,t} + \beta_4 INST_{i,t} \\ & + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 LNMV_{i,t} + \beta_7 LNVOL_{i,t} + \beta_8 MB_{i,t} \\ & + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} SDRET_{i,t} + \beta_{11} SDROE_{i,t} + \beta_{12} SIZE_{i,t} \\ & + \beta_{13} SURPRISE_{i,t} + \epsilon_{i,t} \end{aligned}$$

که در آن:

$SP2_{i,t}$: تخصص صنعت موسسه حسابرسی شرکت i در سال t

۶. نوع و روش پژوهش

از لحاظ ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است و از لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل‌های رگرسیون چندگانه و داده‌های ترکیبی استفاده شده است. همچنین نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز مورد استفاده قرار گرفته است. آزمون اف لیمر و آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌ها ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته است. برای آزمون معنی‌داری کل مدل رگرسیون از آزمون اف فیشر و برای آزمون متغیرهای مستقل از آزمون تی استفاده شده است. قلمروی که این تحقیق در آن انجام می‌گیرد شرکت‌های فهرست شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ می‌باشد.

از سوی دیگر برای افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات این شرکت‌های می‌بایست این واحدهای تجاری دارای خصوصیات باشند که در ادامه به این خصوصیات اشاره شده است:

۱. از لحاظ اتمام دوره مالی می بایست شرکت های عضو نمونه، پایان اسفند ماه باشد.
 ۲. برای افزایش همگنی اطلاعات جمع آوری شده می بایست شرکت ها عضو نمونه شامل موسسات مالی، بیمه، موسسات اعتباری، لیزینگ و بانک ها نباشند.
 ۳. در بازه زمانی ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ شرکت های منتخب شده تغییر سال مالی نداشته باشند.
 ۴. کلیه اطلاعات مورد نیاز برای بررسی موضوع مورد نظر در این شرکت ها در دسترسی باشد.
- با توجه به محدودیت های اعمال شده در نهایت تعداد ۱۰۵ شرکت از جامعه آماری به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۷. یافته های پژوهش

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای مدل را نشان می دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، میانه، بیشینه و کمینه و انحراف معیار است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل

نماد	نام	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
DA	کیفیت سود	۰/۱۲۷۹۶	۰/۰۹۵۲۶	۱/۶۷۳۰۵	۰/۰۰۰۱۹	۰/۱۳۱۹۳
INST	مالکیت نهادی	۰/۶۳۴۶۴	۰/۷۲۴۹۰	۰/۹۹۷۰۰	۰/۰۲۳۴۶	۰/۲۶۱۵۶
LEV	اهرم مالی	۰/۷۴۳۲۶	۰/۵۹۷۹۱	۴/۳۴۷۴۵	۰/۰۳۱۴۳	۰/۶۷۴۶۳
LNMV	ارزش بازار	۱۵/۳۵۴۷۱	۱۵/۶۴۳۱۲	۲۱/۹۷۳۶۵	۹/۵۴۳۲۴	۱/۹۳۳۹۱
LNVOL	حجم معاملات سهام	۱۸/۷۰۶۵۳	۱۹/۱۰۰۷۸	۲۵/۱۶۵۹۲	۹/۹۶۷۹۶	۲/۴۹۰۷۶
MB	نسبت ارزش بازار به دفتری	۶/۳۴۸۵۵	۳/۶۱۶۰۲	۱۸۸/۲۴۱۴۰	-۵۴/۸۹۶۶۸	۱۲/۷۵۳۶۷
ROA	بازده دارایی ها	۰/۱۱۱۴۱	۰/۱۰۵۰۷	۰/۸۳۸۰۴	-۱/۰۶۳۲۵	۰/۲۲۱۷۰
SDRET	نوسانات بازده سهام	۰/۸۷۷۵۵	۰/۵۶۵۸۵	۳/۷۰۸۹۱	۰/۰۱۴۷۴	۰/۸۲۲۰۵
SDROE	نوسانات بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۳۲۳۲۴	۰/۱۱۸۰۴	۵/۹۴۲۴۲	۰/۰۰۳۵۰	۰/۶۰۸۲۲
SIZE	اندازه شرکت	۱۵/۰۳۱۶۱	۱۴/۹۳۶۲۴	۲۰/۴۶۴۱۲	۱۰/۶۴۴۶۹	۱/۵۶۸۵۸
SP _۱	تخصص صنعت شریک حسابرسی	۰/۵۵۸۱۰	۱/۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۰/۴۹۷۰۹
SP _۲	تخصص صنعت موسسه حسابرسی	۰/۶۲۶۶۷	۱/۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۰/۴۸۴۱۵
SPREAD	نابرابری اطلاعاتی	۰/۰۳۷۸۵	۰/۰۳۹۶۸	۰/۲۵۳۹۳	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۱۸۰۰
SURPRISE	تغییرات سود نسبت به قیمت سهام	-۰/۰۱۴۳۸	۰/۰۱۹۵۵	۳/۶۲۸۷۲	-۷/۵۶۰۶۷	۰/۶۶۸۷۶

منبع: یافته های پژوهشگر

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر نابرابری اطلاعاتی

(SPREAD) برابر با ۰/۰۳۷۸۵ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود میانه این متغیر ۰/۰۳۹۶۸ می‌باشد که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها، متغیر نابرابری اطلاعاتی (SPREAD) کمترین و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MB) بیشترین میزان پراکندگی را دارا می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب کمترین و بیشترین میزان تغییرات را دارا می‌باشند. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. میزان کشیدگی یا پخی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می‌نامند. متغیر تخصص صنعت شریک حسابرسی (SP^1) کمترین برجستگی و متغیر نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MB) بیشترین برجستگی را نسبت به منحنی نرمال دارد.

۸. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به فرضیه‌های بیان شده و تبیین مدل‌های پژوهش و متغیرهای آن، نتایج حاصل از تخمین مدل جهت آزمون فرضیه اول در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره تی	احتمال
DA	-۰/۰۷۲۷۱۸	۰/۰۲۹۹۳۶	-۲/۴۲۹۱۱۴	۰/۰۱۵۵
INST	-۰/۰۰۳۴۰۶	۰/۰۰۱۳۷۱	-۲/۴۸۵۱۸۶	۰/۰۱۳۳
LEV	-۰/۰۰۰۸۷۶	۰/۰۰۰۴۲۲	-۲/۰۷۳۴۷۳	۰/۰۳۸۸
LNMV	-۰/۰۰۰۱۶۴۲	۰/۰۰۰۲۸۸	۵/۷۰۹۵۲۸	۰/۰۰۰۰
LNVOL	-۰/۰۰۰۱۵۵۵	۰/۰۰۰۳۰۲	۵/۱۴۸۰۰۹	۰/۰۰۰۰
MB	-۰/۰۰۰۷۱۴۱	۰/۰۰۰۲۶۸۵	-۲/۶۵۹۸۲۵	۰/۰۰۰۸۱
ROA	-۰/۰۰۰۲۷۷۱	۰/۰۰۰۱۵۹۹	-۱/۷۳۳۳۷۳	۰/۰۰۸۳۸
SDRET	-۰/۰۰۰۸۹۹	۰/۰۰۰۳۵۰	-۲/۵۷۱۴۰۶	۰/۰۱۰۵
SDROE	-۰/۰۰۰۹۸۷	۰/۰۰۰۱۳۵	۷/۳۲۲۰۰۸	۰/۰۰۰۰
SIZE	-۰/۰۰۰۱۲۱۲	۰/۰۰۰۴۷۴	-۲/۵۵۴۴۸۶	۰/۰۱۱۰
SURPRISE	-۰/۰۰۵۶۹۹	۰/۰۱۳۴۲۴	۴/۸۹۴۰۱۳	۰/۰۰۰۰
C	-۰/۰۰۰۵۴۹۶	۰/۰۱۲۶۳۱	۰/۴۳۵۱۵۴	۰/۶۶۳۷
ضریب تعیین		۰/۷۸	آماره اف	۱۲/۸۰۵۱۶
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۲	احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره اف که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل است، رد می شود و این نشان می دهد که مدل پژوهش معنادار است. مقدار ضریب متغیر کیفیت سود (DA) مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه اول است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۰۱۵۵ می باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت که فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. همچنین علامت ضریب این متغیر منفی می باشد که نشان می دهد کیفیت سود تاثیر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد. نتایج حاصل از تخمین مدل جهت آزمون فرضیه دوم در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره تی	احتمال
DA	-۰/۰۰۶۵۶۷	۰/۰۰۰۸۳۹	-۷/۸۳۱۴۵۰	۰/۰۰۰۰
SP ^۱	-۰/۰۰۳۳۰۵	۰/۰۰۱۰۴۱	-۳/۱۷۵۴۹۱	۰/۰۰۱۶
DA*SP ^۱	-۰/۰۱۳۱۷۶	۰/۰۰۲۲۱۸	-۵/۹۳۹۳۷۸	۰/۰۰۰۰
INST	-۰/۰۰۲۹۲۸	۰/۰۰۰۹۱۹	-۳/۱۸۶۵۱۵	۰/۰۰۱۶
LEV	-۰/۰۰۰۳۰۷	۰/۰۰۰۶۸۱	-۰/۴۵۰۷۹۲	۰/۶۵۲۴
LNMV	-۰/۰۰۱۸۸۶	۰/۰۰۰۲۸۴	-۶/۶۳۲۴۱۰	۰/۰۰۰۰
LNVOL	-۰/۰۰۱۳۰۶	۰/۰۰۰۱۳۸	-۹/۴۸۶۱۷۵	۰/۰۰۰۰
MB	-E-۰۶۳/۵۳	-E-۰۶۸/۹۴	-۰/۳۹۴۵۱۹	۰/۶۹۳۴
ROA	-۰/۰۰۱۱۷۳	۰/۰۰۱۷۹۱	-۰/۶۵۵۲۰۷	۰/۵۱۲۷
SDRET	-۰/۰۰۰۶۹۵	۰/۰۰۰۱۴۰	-۴/۹۴۸۷۳۵	۰/۰۰۰۰
SDROE	-۰/۰۰۱۶۴۳	۰/۰۰۰۳۴۱	-۴/۸۱۳۶۱۱	۰/۰۰۰۰
SIZE	-۰/۰۰۱۳۷۵	۰/۰۰۰۴۳۴	-۳/۱۶۳۹۵۲	۰/۰۰۱۷
SURPRISE	-۰/۰۰۰۸۲۸	۰/۰۰۰۴۳۳	-۱/۹۳۵۴۳۳	۰/۰۵۳۶
C	-۰/۰۰۵۶۵۷	۰/۰۰۹۹۴۲	-۰/۵۶۸۹۷۴	۰/۵۶۹۷
ضریب تعیین		۰/۷۳	آماره اف	۹/۶۲۰۳۷۳
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۵	احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره اف که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل است، رد می شود و این نشان می دهد که مدل پژوهش معنادار است. مقدار ضریب متغیر اثر ضریب کیفیت سود و تخصص صنعت شریک حسابرسی (DA*SP^۱) مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه دوم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۰۰۰۰ می باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت که فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. همچنین علامت ضریب این متغیر منفی می باشد

که نشان می دهد تخصص صنعت شریک حسابرسی اثر منفی و معنادار کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند. نتایج حاصل از تخمین مدل جهت آزمون فرضیه سوم در جدول ۳ ارائه شده است. جدول ۳- نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه سوم

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره تی	احتمال
DA	-۰/۰۰۶۳۷۶	۰/۰۰۳۵۷۹	-۱/۷۸۱۴۰۸	۰/۰۷۵۶
SP ^۲	-۰/۰۰۳۱۳۰	۰/۰۰۱۱۴۶	۲/۷۳۱۷۹۸	۰/۰۰۶۶
DA*SP ^۲	-۰/۰۱۳۲۶۶	۰/۰۰۳۷۶۴	-۳/۵۲۴۷۴۴	۰/۰۰۰۵
INST	-۰/۰۰۳۲۱۳	۰/۰۰۱۱۸۹	-۲/۷۰۳۲۱۰	۰/۰۰۷۲
LEV	-۰/۰۰۰۳۲۹	۰/۰۰۰۶۷۲	-۰/۴۸۹۲۷۱	۰/۶۲۴۹
LNMV	۰/۰۰۱۷۸۸	۰/۰۰۰۳۲۶	۵/۴۸۴۵۰۷	۰/۰۰۰۰
LNVOL	۰/۰۰۱۴۰۹	۰/۰۰۰۲۶۱	۵/۴۰۳۶۱۵	۰/۰۰۰۰
MB	۰/۰۰۰۴۸۶	۰/۰۰۰۳۷۶	-۰/۵۱۱۵۱۴	۰/۶۰۹۳
ROA	-۰/۰۰۰۸۳۹	۰/۰۰۱۷۹۵	-۰/۴۶۷۴۴۴	۰/۶۴۰۴
SDRET	-۰/۰۰۰۸۷۰	۰/۰۰۰۲۵۲	-۳/۴۵۲۳۰۸	۰/۰۰۰۶
SDROE	۰/۰۰۱۷۰۱	۰/۰۰۰۴۰۳	۴/۲۲۱۲۹۴	۰/۰۰۰۰
SIZE	-۰/۰۰۱۰۳۳	۰/۰۰۰۵۶۶	-۱/۸۲۴۸۷۱	۰/۰۶۸۸
SURPRISE	-۰/۰۰۰۸۶۹	۰/۰۰۰۵۰۴	-۱/۷۲۴۱۶۹	۰/۰۸۵۴
C	۰/۰۰۰۴۵۹	۰/۰۱۴۱۸۸	-۰/۰۳۲۳۸۴	۰/۹۷۴۲
ضریب تعیین	۰/۷۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۴			
			آماره اف	۹/۱۲۸۵۸۵
			احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰۰۰

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره اف که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل است، رد می شود و این نشان می دهد که مدل پژوهش معنادار است. مقدار ضریب متغیر اثر ضریب کیفیت سود و تخصص صنعت موسسه حسابرسی (DA*SP^۲) مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه سوم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۰۰۰۵ می باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می توان گفت که فرضیه سوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. همچنین علامت ضریب این متغیر منفی می باشد که نشان می دهد تخصص صنعت موسسه حسابرسی اثر منفی و معنادار کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند.

۹. بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد که کیفیت سود تأثیر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد، در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می شود. اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی به عنوان مبنایی برای

تصمیمات تخصص سرمایه مورد استفاده قرا می گیرد. در نتیجه، آثار و پیامدهای کیفیت اطلاعات حسابداری، مورد توجه سرمایه گذاران، مدیران، قانون گذاران و تدوین کنندگان استانداردها است. یکی از شروط رقابت کامل، شفافیت اطلاعاتی است و فقدان آن باعث پیدایش رانت می گردد. شفافیت اطلاعات موجب بهبود تقارن اطلاعات می شود. عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه، بر این موضوع تاکید دارد که گروهی از سرمایه گذاران، دارای اطلاعات بیشتری نسبت به دیگر سرمایه گذاران می باشند. از آنجا که سود همواره مورد توجه سرمایه گذاران است، بنابراین کیفیت سود از جمله عواملی است که می تواند بر میزان عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر بگذارد. کیفیت سود یک شاخص دقت اطلاعات که به طور مستقیم هزینه سرمایه سهام را کاهش می دهد و یک شاخص توزیع اطلاعات بوده که به طور غیرمستقیم هزینه سرمایه سهام را از طریق تاثیر آن بر عدم تقارن اطلاعات کاهش می دهد. از این رو می توان انتظار داشت که کیفیت سود تاثیر منفی و معناداری بر عدم تقارن اطلاعاتی داشته باشد. نتایج به دست آمده در این پژوهش از بعد معناداری با نتایج پژوهش های لیائو و همکاران (۲۰۲۲)، نورچولیس (۲۰۱۶)، واثق ابادشاپوری و همکاران (۱۴۰۰)، جودی و منصورفر (۱۳۹۹)، کامیابی و نیک سرشت (۱۳۹۹)، ملکی و همکاران (۱۳۹۸) و پیرو و طاهری نیا (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد که تخصص صنعت شریک حسابرسی اثر منفی و معنادار کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند، در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تایید می شود. بررسی موضوع نقش اطلاعاتی تخصص در صنعت حسابرسی به دو دلیل حیاتی است. اول، ریسک اطلاعات بر قیمت دارایی ها تاثیر می گذارد، در حالی که شاخص کیفیت سود برای ریسک اطلاعات نشان می دهد که عدم دقت اطلاعات و توزیع اطلاعات بر عدم تقارن اطلاعات تاثیر می گذارد. کیفیت ضعیف سود منجر به ریسک انتخاب نامطلوب بالاتر و نقدینگی کمتر در بازار مالی می شود و عدم تقارن اطلاعاتی را در میان سرمایه گذاران آگاه که در توانایی هایشان برای پردازش اطلاعات مرتبط با سود متفاوت است، بدتر می کند و منجر به قیمت گذاری اشتباه اقلام تعهدی می شود. حسابرسان با کیفیت بالاتر، منابع بیشتر و انگیزه قوی تری برای سرمایه گذاری و توسعه مهارت ها و دانش خاص صنعت دارند و در نتیجه سطح بالاتری از اطمینان را در صنایع تخصصی ارائه می کنند. افزون بر این دو شریک حسابرسی از یک مؤسسه حسابرسی ملزم به امضای گزارش حسابرسی هستند و در صورت شکست حسابرسی مسئول هستند. علیرغم اینکه هر مؤسسه حسابرسی برنامه های حسابرسی خود را برای همه تیم های حسابرسی برای انجام وظایف حسابرسی دارد، هر کار حسابرسی زمینه ای است، که مستلزم قضاوت های حرفه ای اعضای تیم حسابرسی و تصمیمات شریک کار در مورد گزارش نهایی حسابرسی است. بنابراین، زمانی که شریک حسابرسی دارای تخصص لازم در صنعت مورد رسیدگی باشد می تواند در تشخیص خطاها و محدود کردن دستکاری سودهای فرصت طلبانه بهتر عمل کند و بنابراین دقت اندازه گیری ها را در صنعت بهبود بخشد. اگر شریک حسابرسی با دارا بودن تخصص در صنعت مورد رسیدگی، کیفیت سود شناسایی شده توسط سرمایه گذاران در قیمت گذاری سهام را افزایش دهد، میزان عدم

تقارن اطلاعاتی کاهش می یابد. یعنی تخصص صنعت شریک حسابرسی، ارتباط بین کیفیت سود بالاتر و عدم تقارن اطلاعاتی کمتر را افزایش می دهد. این موضوع نشان می دهد قضاوت حرفه شریک حسابرسی نیز توانایی افزایش کیفیت گزارشگری مالی به طور مشخص کیفیت سود را داشته که این موضوع باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود. نتایج به دست آمده در این پژوهش از بعد معناداری با نتایج پژوهش های لیائو و همکاران (۲۰۲۲) و هداوند میرزایی (۱۴۰۱) همخوانی دارد. با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد که تخصص صنعت موسسه حسابرسی اثر منفی و معنادار کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت می کند، در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تایید می شود. تخصصی صنعت حسابرسی، مشکلات قراردادی پرهزینه ناشی از هزینه های نمایندگی را حل می کند، جایی که فناوری حسابداری، مانند سیستم ها و سیاست های حسابداری، یک عنصر حیاتی از سیستم قراردادی شرکت است. از آنجایی که ویژگی ها و شیوه های صنعت در صنایع مختلف متفاوت است، حسابرسان (شرکت های حسابرسی) روی مهارت ها و دانش خاص صنعت سرمایه گذاری کرده و آن را توسعه می دهند، به اقتصاد تولید دست می یابند و با افزایش حسابرسی مشتریان در همان صنعت، به عنوان متخصصان صنعت شهرت پیدا می کنند. بنابراین، در صنایع دارای قراردادهای تخصصی و فناوری های حسابداری خاص صنعت، تخصص در صنعت حسابرس منجر به سطح بالاتری از اطمینان خواهد شد. ثانیاً، ادبیات قبلی نشان داده است که حسابرسان متخصص صنعت، دانش دقیق تری دارند و برای شناسایی روش های حسابداری مشکوک، خطاها و بی نظمی ها، محدود کردن دستکاری سود بالقوه فرصت طلبانه، و بهبود دقت اندازه گیری در تخصص صنعت مؤثرتر هستند، بنابراین، کیفیت سود برای مشتریان دارای تخصص صنعت حسابرس در سطح شرکت بالاتر است. از سوی دیگر حسابرسی به روش های زیر با عدم تقارن اطلاعات مرتبط است. اول، همانطور که اشاره شد، حسابرسی مشکلات پرهزینه قراردادی ناشی از مشکلات نمایندگی را حل می کند. حسابرسی های مستقل به درستی عملکرد اقتصادی یک شرکت را آشکار می کند و قابلیت اطمینان گزارش های مالی را بهبود می بخشد. دوم، تخصص در صنعت حسابرس از طریق تأثیر آن بر کیفیت سود به عدم تقارن اطلاعاتی کمتر کمک می کند. پاسخ قیمت سهام در دقت اطلاعات در حال افزایش است، در حالی که کیفیت سود بالاتر حسابرسی شده توسط حسابرسان متخصص صنعت که عملکرد اقتصادی شرکت را با دقت بیشتری منعکس می کند، با تغییرات قیمت سهام ارتباط بیشتری دارد. به طور خلاصه، کیفیت سود بالاتر به عدم تقارن اطلاعاتی کمتر مربوط می شود، در حالی که حسابرسان متخصص صنعت کیفیت سود مرتبط با عدم تقارن اطلاعات را افزایش می دهند. اگر کیفیت سود افزایش یافته توسط حسابرسان متخصص صنعت قابل توجه باشد و توسط سرمایه گذاران شناسایی شود، تفاوت در عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران آگاه و ناآگاه کاهش می یابد و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می یابد. نتایج به دست آمده در این پژوهش از بعد معناداری با نتایج پژوهش های لیائو و همکاران (۲۰۲۲) و هداوند میرزایی (۱۴۰۱) همخوانی دارد. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش توصیه می شود سرمایه گذاران نه تنها به میزان کیفیت سود و تأثیری که بر عدم تقارن اطلاعاتی دارد را در نظر

داشته باشند، بلکه باید به سایر عوامل موثر بر این رابطه مثل تخصص صنعت شریک حسابرسی توجه کنند. تخصص صنعت شریک حسابرسی و تخصص صنعت موسسه حسابرسی می‌توانند اثر منفی کیفیت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی را تقویت کنند این نتیجه سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی را قادر می‌سازد در راستای فرضیه اطلاعات به کیفیت گزارشگری مالی به طور مشخص کیفیت سود اتکا کرده و از عدم تقارن اطلاعاتی اطمینان کسب نمایند. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی می‌توانند به تخصص صنعت شریک حسابرسی و تخصص صنعت موسسه حسابرسی در یک محدوده‌ی قضاوتی نگاه کنند که نشان دهنده وحدت رویه در موسسات حسابرسی می‌باشد. به عبارت دیگر سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی باید علاوه بر توجه به قضاوت حرفه ای موسسات حسابرسی در سطح کلان، به قضاوت حرفه شریک حسابرسی نیز توجه کنند.

منابع فارسی:

- ثقفی، علی. بولو، قاسم و محمد مهدی-دانا (۱۳۹۴)، رابطه کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴ (۱۶)، صص. ۱-۱۶.
- جودی، سمیرا. منصورفر، غلامرضا (۱۳۹۹)، نقش کیفیت حسابداری بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ابعاد آگاهی دهنده‌گی و فریبندگی مدیریت سود، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲ (۱)، صص. ۱۹-۳۸.
- حمیدیان، محسن. بزرگمهریان، شاهرخ و حسین جنت مکان (۱۳۹۷)، نقش تخصص حسابداری در صنعت در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقالم صورت سود و زیان، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۱۰ (۳۸)، صص. ۹۳-۱۱۳.
- خانی، عبدالله. قجواند، زیبا (۱۳۹۱)، تأثیر طیف رقابتی بازار بر رابطه بین نابرابری اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام عادی. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴ (۴)، صص. ۶۷-۸۸.
- داودی، ایرج (۱۴۰۰)، بررسی ارتباط بین کیفیت سود افشای داوطلبانه عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت و حسابداری در هزاره سوم، ۱۰، صص. ۱-۱۹.
- ذوالفقاری، علی. مرادی، مهدی. بهنام، مهدی و زکیه مرندی (۱۳۹۸)، تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی، عدم نقدشوندگی سهام و تمرکز مالکیت بر دقت پیشبینی سود، ۱۱ (۴۴)، صص. ۱۹۳-۲۱۶.
- رحیمیان، نظام الدین. حسنی القار، مسعود (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و استفاده از حسابداری متخصص صنعت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری مالی، ۲ (۴۹)، صص. ۷۱-۸۸.
- کامیابی، یحیی. نیک سرشت، محسن (۱۳۹۹)، بررسی اثر تعدیل کننده افشای داوطلبانه بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی کارافن، ۱۷ (۳)، صص. ۲۴۷-۲۶۳.
- کردستانی، غلامرضا. بهرامفر، نقی و علی امیری (۱۳۹۸)، تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۱۱ (۴۲)، صص. ۱۵۹-۱۷۸.
- کیان، الهام. صادقی، محسن (۱۳۹۷)، اثر کیفیت سود بر عملکرد مالی شرکت ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل کننده عدم تقارن اطلاعاتی، دومین کنفرانس بین المللی یافته های نوین در حسابداری، مدیریت، اقتصاد و بانکداری، تهران، شرکت همایش آروین البرز، دانشگاه شهید بهشتی.
- مثنی، فاطمه. امان اله نژاد کلخوران، ابوالفضل (۱۴۰۲)، بررسی ارتباط بین کیفیت حسابداری، کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی. مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، ۹ (۱)، صص. ۲۳۳-۲۵۶.
- ملکی، زهره. صادقی سرارودی، رجبعلی. هاشمی، سیدجمال و محمدرضا تنگسیری (۱۳۹۸)، تأثیر کیفیت سود بر بازده مورد انتظار سهامداران و عدم تقارن اطلاعاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران،

سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، مهندسی صنایع، اقتصاد و حسابداری، صوفیه- بلغارستان، دبیرخانه دائمی کنفرانس.

- هداوند میرزایی، محسن (۱۴۰۱)، نقش تعدیل کننده کیفیت حسابرسی بر رابطه بین ریسک افشای اطلاعات مالی و عدم تقارن اطلاعاتی. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۲۰)، صص. ۲۱۷۱-۲۱۵۳.

References:

- Aobdia D, Siddiqui S, Vinelli A (۲۰۲۱) Heterogeneity in expertise in a credence goods setting: evidence from audit partners. *Rev Account Stud* ۲۶:۶۹۳-۷۲۹
- Amin, Aminul. Lukviarman, Niki. Suhardjanto, Djoko. Setiany, Erna. (۲۰۱۸). Audit Committee Characteristics and Audit- Earnings Quality: Empirical Evidence of the Company with Concentrated Ownership, *Review of Integrative Business and Economics Research*, ۷(۱), pp. ۱۸-۳۳.
- Behn KB, Choi JH, Kang T (۲۰۰۸) Audit quality and properties of analyst earnings forecasts. *Account Rev*, ۸۳(۲), pp. ۳۲۷-۳۴۹
- Balsam S, Krishnan J, Yang JS (۲۰۰۳) Auditor industry specialization and earnings quality. *Audit J Pract Theory*, ۲۲(۲), pp. ۷۱-۹۷
- Bhattacharya N, Ecker F, Olsson P, Schipper K (۲۰۱۲) Direct and mediated associations among earnings quality, information asymmetry and the cost of equity. *Account Rev*, ۸۷(۲), pp. ۴۴۷-۴۸۲
- Bhattacharya N, Desai H, Venkataraman K (۲۰۱۳) Does earnings quality affect information asymmetry? evidence from trading costs. *Contemp Account Res* ۳۰(۲):۴۸۲-۵۱۶
- Beaver W (۱۹۹۸) *Financial Reporting: An Accounting Revolution*, ۳rd edn. Prentice Hall, Upper Saddle River, New Jersey
- Bhattacharya, N. Venkataraman, K. (۲۰۰۹). Earnings Quality and Information Asymmetry. Available at URL: <http://www.ssrn.com>.
- Behn KB, Choi JH, Kang T (۲۰۰۸) Audit quality and properties of analyst earnings forecasts. *Account Rev* ۸۳(۲):۳۲۷-۳۴۹.
- Chaney PD, Jeter DC, Shivakumar L (۲۰۰۴) Self-Selection of Auditors and Audit Pricing in Private Firms. *Account Rev* ۷۹(۱):۵۱-۷۲.
- Craswell A, Francis J, Taylor S (۱۹۹۵) Auditor brand name reputations and industry specializations. *J Account Econ* ۲۰:۲۹۷-۳۲۲
- Craswell A, Francis J, Taylor S (۱۹۹۵) Auditor brand name reputations and industry specializations. *J Account Econ* ۲۰:۲۹۷-۳۲۲
- DeFond M, Zhang J (۲۰۱۴) A review of archival auditing research. *J Account Econ* ۲۵(۲-۳):۲۷۵-۳۲۶.

- Dechow, M. Patricia, Weili Ge, Catherine M. Schrand (۲۰۱۰). "Understanding earnings quality: a review of the proxies, their determinants and their consequences", *Journal of Accounting and Economics*, ۵۰(۲): ۳۴۴-۴۰۱.
- Dye R (۱۹۹۳) Auditing standards, legal liability, and auditor wealth. *J Polit Econ* ۱۰۱(۵): ۸۸۷-۹۱۴
- Easley D, O'Hara M (۲۰۰۴) Information and the cost of capital. *J Financ* ۵۹(۴): ۱۵۵۳-۱۵۸۳
- Francis J, LaFond R, Olsson P, Schipper K (۲۰۰۴) Costs of equity and earnings attributes. *Account Rev* ۷۹(۴): ۹۶۷-۱۰۱۰
- Francis JR, Maydew EL, Sparks HC (۱۹۹۹) The role of Big ۶ auditors in the credible reporting of accruals. *Audit J Pract Theory* ۱۸(۲): ۱۷-۳۴.
- Heckman J (۱۹۷۹) Sample selection bias as a specification error. *Econometrica* ۴۷(۱): ۱۵۳-۱۶۱.
- Hochberg, Yael. V. (۲۰۰۳). Venture Capital and Corporate Governance in the Newly Public Firm. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/id۴۷۴۵۴۲.pdf>.
- Healy P, Palepu K (۲۰۰۱) Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature. *J Account Econ* ۳۱(۱): ۴۰۵-۴۴۰.
- Kothari SP, Leone AJ, Wasley CE (۲۰۰۵) Performance matched discretionary accrual measures. *J Account Econ* ۳۹(۱): ۱۶۳-۱۹۷.
- Kend, M. (۲۰۰۸). Client Industry Audit Expertise: Towards a Better Understanding, *Pacific Accounting Review* ۲۰, ۴۹-۶۲.
- Krishnan GV (۲۰۰۳) Does Big ۶ auditor industry expertise constrain earnings management? *Account Horiz* ۱۷(Supplement): ۱-۱۶
- Krishnan VK (۲۰۰۵) The association between Big ۶ auditor industry expertise and the asymmetric timeliness of earnings. *J Account Audit Financ* ۲۰(۳): ۲۰۹-۲۲۸.
- Larcker D, Rusticus T (۲۰۱۰) On the use of instrumental variables in accounting research. *J Account Econ* ۴۹(۳): ۱۸۶-۲۰۵.
- Libby R (۱۹۹۵) The role of knowledge and memory in audit judgment. In: Ashton RH, Ashton AH (eds) *judgment and decision-making research in accounting and auditing*. Cambridge University Press, New York, pp ۱۷۶-۲۰۶
- Lennox C, Wu X (۲۰۱۸) A review of archival literature on audit partners. *Account Horiz* ۳۲(۲): ۱-۳۵
- Liao, Yi- Hsing. Lee, Hua. Chen. Chao- Jung. (۲۰۲۲). The informational role of audit partner industry specialization, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, <https://doi.org/10.1007/s11156-022-01090-8>.
- Owghoso V, Messier WF, Lynch JG (۲۰۰۲) Error detection by industry-specialized teams during sequential audit review. *J Account Res* ۴۰(۳): ۸۸۳-۹۰۰



- Palmrose ZV (۱۹۸۸) ۱۹۸۷ Competitive Manuscript Co-Winner: an analysis of auditor litigation and audit service quality. Account Rev ۶۳(۱): ۵۵-۷۳
- Putra, D. A., Herawansyah, S. Madani H. (۲۰۲۳). Corporate Governance, Voluntary Disclosure, Earning Quality, Information Asymmetric: A Conceptual Framework. Open Access Indonesia Journal of Social Sciences, ۶(۳), ۹۸۹-۹۹۷.
- Reichelt KJ, Wang D (۲۰۱۰) National and office-specific measures of auditor industry expertise and effects on audit quality. J Account Res ۴۸(۳): ۶۴۷-۶۸۶
- Scott, R., William (۲۰۱۲), Financial Accounting Theory. ۷th Edition Hardcover. Prentice Hall.
- Shin, Hoyoung. Oh, Hyunmin. (۲۰۱۷). The Effect Of Accruals Quality On The Association Between Voluntary Disclosure And Information Asymmetry In Korea, The Journal of Applied Business Research ۳۳ (۱): ۲۲۳-۲۳۶.
- Titman S, Trueman B (۱۹۸۶) Information quality and the valuation of new issues. J Account Econ ۸(۲): ۱۵۹-۱۷۲
- Watts RL, Zimmerman JL (۱۹۹۰) Positive accounting theory: a ten-year perspective. Acc Rev ۶۵(۱): ۱۳۱-۱۵۶
- Yong.K, Sun.H. (۲۰۲۰). Information Risk and Debtholders' Mispricing by Considering Audit Quality, Asia-Pacific Journal of Financial Studies (۲۰۲۰) ۴۹, ۴۶۳-۵۰۸.